



تأثیر عاشورا در ادبیات تشیع (۲)

حادثه تلخ و دردناک عاشورا، شعرا را که طبعی حساس، ذوقی سرشار و روحی لطیف دارند، بیش از دیگران تکان داده و متأثر ساخته و زبان ادبی آنها را به سوک و سوز و گداز در این مصیبت گشوده است.

شاعران پارسی‌گوی نیز به سهم خود در ترسیم ادبی و شاعرانه این حماسه، نقش مهمی داشته‌اند و هرکدام از نگاه خاص خود حادثه را با هنرمندی و زیبایی بازگو کرده‌اند که خواننده را سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نقش مسلمانان غیر عرب در پیشرفت اسلام

قطعاً ملت‌هایی که به زبان فارسی سخن می‌گویند، منحصر به ایرانیان نیستند، بلکه بیشتر ملت‌های همسایه ایران با زبان و ادب فارسی آشنا بوده و با آن سخن می‌گویند، شعر می‌سرایند و خطابه می‌کنند و امثال و حکم خود را با این زبان ایراد کرده و می‌کنند. امروزه ملت‌های تاجیکستان، آذربایجان، افغانستان بخشی از پاکستان نیز با فارسی آشنا می‌باشند.

اصولاً می‌توان زبان فارسی را دومین زبان فرهنگ اسلامی تلقی کرد که ملتهای پیرو آن، اسلام را از طریق زبان فارسی یاد گرفته و به آن ایمان آورده‌اند. اگر رودکی از خراسان بزرگ (تاجیکستان فعلی) حکیم گنجوی از گنجه و ماوراء قفقاز، اقبال لاهوری از پاکستان (سند قدیم) مولانا از ایران با زبان شکرشکن فارسی سخن می‌گویند همگی اسلام را به وسیله این زبان شیرین تعلّم کرده و آموزشهای پیامبر را از جان و دل پذیرفته‌اند.

شاید بی‌جهت نباشد که پیامبر اسلام از ایمان مردمان غیر عرب، (از کل بلاد شرق) خبر داده و آن را به سلمان فارسی نوید می‌دهد و نفوذ آئین پاک خود را در شرق و غرب جهان آن روز، پیش‌بینی می‌کند [زُوِیت لِي الْأَرْضُ فَارِیْتُ مِشَارِقَهَا وَ مَغَارِبَهَا وَ سَتَبْلُغُ مَلِكُ امْتِی فِیْهَا].

«زمین در برابر من پیچیده شده و من جمیع مشارق و مغارب آن را دیدم و به زودی اسلام در همه نقاط آن پرتوافکن خواهد شد و نفوذ و حکومت امت من به آنجاها خواهد رسید».

در یک روایتی، پیامبر به سلمان فارسی، چنین آمده است:

گروهی از اصحاب از پیامبر پرسیدند: «مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ ذَكَرَ اللَّهُ إِنْ تَوَلَّيْنَا اسْتَبْدَلُوا بِنَا ثُمَّ لَا يَكُونُوا امثالَنَا، قَالَ وَكَانَ سَلْمَانُ بِجَنْبِ رَسُولِ اللَّهِ، قَالَ فَضْرَبَ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيَّ فَخَذَ سَلْمَانَ، وَقَالَ: هَذَا وَاصْحَابُهُ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ كَانَ الْإِيْمَانُ مَنْوُوطاً بِالشَّرْبِ لَتَنَاقَلُوهُ رِجَالٌ مِّنْ فَارِسٍ»^۱.

اینکه خداوند در آیه می‌فرماید: اگر شما (به اسلام) پشت کنید به جای شما گروه دیگری را بر می‌گزیند. که مانند شما نباشند. اینها چه کسانی هستند؟ در همان حال سلمان در کنار پیامبر نشسته بود، حضرت دست به ران سلمان زد و فرمود: این مرد و قومش، قسم به آن خدائی که جان من در دست قدرت او است، هرگاه ایمان در آسمان باشد، بازهم مردانی از فارسی بدان دست خواهند یافت».

احتمال دارد که منظور از فارس، ایرانیان به طور اعم باشد، و شاید هم منظور، همه ملّتهای غیر عرب باشند که در بلاد شرق اسلامی پراکنده‌اند.

به هر ترتیب، اسلام به وسیله زبان فارسی میان این ملّتها را یافت، نفوذ کرد و تمدن

۱. جامع‌الأصول، جزری، ج ۱۰، ص ۵۲.

بزرگی به وجود آورد.

از طرف سوم، حادثه کربلا و شهادت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام)، حادثه‌ای نبود که بر ذهن و اندیشه جهان اسلام اثر نگذارد و همه مسلمانان (به جز اندکی بسیار نادر) حادثه کربلا را فاجعه ندانند و برکشندگان حسین (علیه السلام)، لعنت نکنند.

اصولاً آن روز که ایرانیان اسلام آوردند، از آنجا که تشنه عدالت بودند، و اسلام آئین عدالت بود و آن را در خاندان علی (علیه السلام) یافتند، از جان و دل محبت او و فرزندانش را جزو هستی خود ساختند.

گویند در قیام مختار در کوفه بیست هزار ایرانی که «حمراء دیلم» نامیده می‌شدند، همراه او به خونخواهی حسین (علیه السلام) قیام کردند.^۱

مردم ایران قلبشان از ولاء و محبت خاندان رسول آکنده بود و دل‌هایشان به عشق حسین و فرزندان فاطمه می‌طپید، در سال ۱۲۵ هجری^۲ هر نوزادی که در خراسان بزرگ متولد گردید، به نام حسین و یحیی و زید، یعنی شهدای خاندان علی نامیده شدند. بی دلیل نیست که احساس ایرانی و هر فارسی‌زبان، با عشق علی و خاندانش عجین است و از حادثه کربلا و شهدای طف، شدیداً تأثر دارد.

تفاوت دیدگاهها

شاعران و سرایندگان ادیب، هرکدام حادثه خونخوار حسین (علیه السلام) را از دیدگاه خاصی دیده‌اند و از منظر متفاوتی به آن نگاه کرده‌اند. عده‌ای آن را از بُعد عرفان دیده و دسته دیگر آن را از زاویه عدالت‌طلبی و آزادیخواهی نگاه کرده‌اند. گروهی حماسی سروده‌اند و گروهی دیگر، از منظر مقاومت و دفاع از اسلام ناب، به آن نگرسته‌اند.

اینک برای هرکدام از این دیدگاهها، نمونه‌هایی از اشعار شعرای بزرگ‌اندیش شاهد می‌آوریم و به تجلی احساس، لطف، حماسه، آزادی و شجاعت در لابلای سروده‌های آنان تماشا می‌کنیم:

(۱) فرقه شیعه زیدی، در دو قرن دوم و سوم، فضیلت الشامی، ص ۱۲۰، ترجمه مهدی پور - ثقفی.

(۲) آن سالها، سالهای اوج نفرت ایرانیان از بنی‌امیه بود و از شهادت زید پیش از دو سه سال نگذشته بود.

اقبال لاهوری:

نابغه شرح دکتر محمد اقبال لاهوری که هویت شرقی را تنها در هویت اسلامی آن جستجو کرد و بسان سید جمال استقلال خواهی، آزادی طلبی، حفظ ارزشها و غنای فرهنگی را بر ملل مسلمان توصیه می نمود، درباره حریت اسلامی و سر حادثه کربلا چنین سروده است:

گردنش از بسند هر معبود رست
عشق را ناممکن ما یسکن است
ناقه اش را ساربان حریت است
عشق با عقل هوس پرور، چه کرد؟
سرو آزادی ز بستان رسول
معنی ذبح عظیم آمد پسر
دوش ختم المرسلین نعم الجمل
شوخی این مصرع از مضمون او
همچو حرف قل هو الله در کتاب
حریت را زهر اندر کام ریخت
چون سحاب قبله باران در قدم
لاله در ویرانه ها کسارید و رفت
موج خون او، چمن ایجاد کرد
پس بنای لا اله^۱ اگردیده است
خود نکردی با حسین سامان سفر
دوستان او به یزدان هم عدد
یعنی آن اجسمال را تفصیل بود
پایدار و تند سیر و کامکار
مقصد او، حفظ آئین است و بس

هر که پیمان با هوالموجود بست
مؤمن از عشق است و عشق از مؤمنست
عشق را آرام جان حریت است
آن شنیدستی که هنگام نبرد
آن، امام عاشقان پور بتول
الله، الله بای بسم الله پدر
بهر آن شهزاده خیرالملل
سرخ رو، عشق غیور از خون او
در میان امت کیوان جناب
چون خلافت رشته از قرآن گسیخت
خاست آن سر جلوه خیر الامم
بر زمین کربلا بارید و رفت
تا قیامت قطع استبداد کرد
بهر حق در خاک و خون گردیده است
مدعایش سلطنت بودی اگر
دشمنان چون ریگ صحرا لائقه
سر ابراهیم و اسماعیل بود
عزم او چون کوهساران استوار
تیغ بر عزت دین است و بس

(۱) حقا که بنای لا اله هست حسین (خواجہ معین الدین چشتی).

ماسوی الله را مسلمان بنده نیست
 خون او، تفسیر این اسرار کرد
 تیغ لا چون از میان بیرون کشید
 نقش الا الله بر صحرا نوشت
 رمز قرآن از حسین آموختیم
 شوکت شام و فر بغداد رفت
 تار ما از زخمه اش لرزان هنوز
 ای صبا ای پیک دور افتادگان

پیش فرعونی سرش افکنده نیست
 ملت خوابیده را بیدار کرد
 از رگ ارباب باطل خون کشید
 سطر عنوان نجات ما، نوشت
 ز آتش او، شعله ها اندوختیم
 سطوت غرناطه هم از یاد رفت
 تازه از تکبیر او، ایمان هنوز
 اشگ ما، بر خاک پاک او رسان^۱

این اشعار، حماسه، شجاعت و آزادی خواهی حسین (علیه السلام) را بازگو می کند که چگونه حماسه عاشورا صدای آزادی خواهی را در جهان اسلام، حتی بعد از گذشت ۱۴ قرن زنده کرده است و آزادی خواهان مسلمان و غیر مسلمان از پیام حسین (علیه السلام) الهام گرفته، صلاهی لبیک یا حسین بلند کرده اند.

اقبال لاهوری به عنوان یک دانشمند و دیندار معرفت اندیش، شخصیت امام حسین (علیه السلام) را تحلیل می کند و او را در مقابل ظلم سیستماتیک به عنوان الگوی مبارزه مطرح می سازد. این تحلیل را نباید از نظر دور داشت که:

«اگر نظامی به لحاظ ریشه ای و ساختاری مولد بی عدالتی شد، و بنای حکومت چنان کج بالا رفت که عدالت ورزیدن برایش ناممکن باشد، آنجا است که قیام واجب می شود. حکومتی که برای بقای خود از بی عدالتی تغذیه می کند و قیام شخصیت های دینی در اینجا اهمیت و ضرورت می یابد و اینجا است که می ارزد حتی جان خود را ببازند».

نهضت شهدا از دیدگاه مولانا جلال الدین

مولانا شهادت حسین (علیه السلام) و یارانش را از منظر دیگری می بیند، از منظر عرفان، از منظر پذیرش بلا و دیدار حق و پیوستن به او:

(۱) دیوان دکتر اقبال لاهوری، رساله «رموز بیخودی» ص ۷۴ - ۷۵، کتابخانه سنائی، تهران ۱۳۴۳.

هرکه در این دهر مقرب تر است جام بلا بیشترش می دهند
مولوی که انسان محبت پیشه و عاشق خداوند است و همه جهان را زیبا می بیند،
شهادت حسین علیه السلام را نیز که چگونه زیبا، شهادت را می پذیرد، و رضا به قضای الهی
می دهد و از مال و جان و فرزندان خویش می گذرد و تسلیم به رضای حق می شود و به
عهد خود با خدا وفا می کند، روح قدسی اش به ملکوت اعلاء می پیوندد، به همین زیبایی
و جذابیت ترسیم می کند.

سیمائی که مولانا در چهره حسین می بیند، چهره ایثارگری است که همه چیزش
را در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم خدمت دوست می نماید. هرچه این گذشت و
ایثارگری عظیم تر، وسیع تر، عمیق تر باشد، آن زیبایی وسیع تر و عمیق تر است:

پاکبازی کار هر شیاد نیست	این شکارِ دام هر صیاد نیست
عاشقی را قابلیت لازم است	طالب حق را حقیقت لازم است
شاهد این مدعا خواهی اگر	بر حسین و اکبر او کن نظر

حقیقتاً مولانا به واقعه عاشورا و کربلا و امام حسین علیه السلام به چشم یک پاکبازی
مطلق که مجسمه زیبایی مطلق است، نگاه می کرد و پیش خود می اندیشید که در روح آن
بزرگمرد آزاده چه می گذشت که تصمیم می گیرد همه ما یملک، مال و جان خود را در
راه دوست فدا کند!

غزل زیبای مولانا که شرح حال شهیدان را بازگو می کند، در زمان جنگ تحمیلی
در فضای ایران اسلامی، زبانزد هر بزرگ و کوچک بود که با شور و حال خاصی ترنم
می کردند:

کجائید ای شهیدان خدائی	بلاجویان دشت کربلائی!
کجائید ای سبک روحان عاشق	پرنده تر ز مرغانِ هوائی
کجائید ای ز جان و جا رهیده	کسی مر عقل را گوید کجائی!
کجائید ای در زندان شکسته	بداده و امدازان را رهائی
کجائید ای در مخزن گشاده	کجائید ای نوای بی نوائی

کف دریاست صورت‌های عالم ز کف بگذر اگر اهل صفائی^۱

حجة الاسلام نیر تبریزی

گاهی شاعران اهل بیت علیهم‌السلام، مجموعه خاندان امامت را به منظومه کیهانی و امام را به خورشید تشبیه می‌کنند و اوج زیبایی ادبیات و انواع استعاره و کنایه را در تبیین حادثه کربلا جلوه‌گر می‌سازند.

از اینگونه تشبیهات زیبا، در اشعار حجة الاسلام نیر بسیار دیده می‌شود اینک نمونه‌ای از آنها:

چون کرد خور ز توسن زرّین تهی رکاب	افتاد در ثوابت و سیّاره انقلاب
غارنگران شام به یغما گشود دست	بگسیخت از سراق زر تار خود طناب
کرد از حجره چاک فلک پرده شکیب	بارید از ستاره به رخسار خون خضاب
کردند سر ز پرده برون دختران نعش ^۲	باگیسوی بریده سراسیمه بی نقاب
گفتی شکسته مجمر گردون و از شفق	آتش گرفته دامن این نیلگون قباب
از کله شفق بدر آورد سر هلال	چون کودکی طپیده به خون در کنار آب
با گوشواره که به یغما کشیده خصم	بیرون ز گوش پرده‌نشینی چو آفتاب
یا گشته زین توسن شاهنشهی نگون	برگشته بی سوار سوی خیمه با شتاب
گفتم مگر قیامت موعود اعظم است	آمد ز عرش که ماه محرم است ^۳

به گفته مقدمه‌نویس دیوان حجة الاسلام نیر:

در میان هزاران هزار شعر فارسی که در این زمینه (حماسه کربلا) سروده شده، سه دلسوخته گوی سبقت از دیگران ربوده‌اند: «مرحوم عمان سامانی»؛ «نیر تبریزی» و «صفی علیشاه». این سه تن آنچه سروده‌اند از سر وجد و ابتهاج و شور و بی‌خودی از

(۱) دیوان کبیر، غزل ۲۷۰۷.

(۲) دختران نعش، ستارگان هفتگانه دُب اکبر را گویند.

(۳) حجة الاسلام نیر، لالی منظومه، ص ۳۲۳، کتابخانه آیه‌الله نجفی، قم ۱۳۷۷.

خود سروده اند.^۱

نیر در این میان سودائی دیگر دارد، شعرش ادیبانه، احساسش لطیف است و عالم و آدم را در یک آن، منقلب می‌کند و آدمی را به دنیای دیگر می‌برد و چه زیبا می‌گوید:

گفت ای گروه هرکه ندارد هوای ما	سرگیرد و برون رود از کربلای ما
ناداده تن به خواری و ناکرده ترک سر	نتوان نهاد پای به خلوت‌سرای ما
تا دست ورد نشست به خون می نیافت	کی راه طواف بر حرم کبرای ما
این عرصه نیست جلوه‌گه روبه و گراز	شیر افکن است بادیۀ ابتلای ما
همراز بزم ما نبود طالبان جاه	بیگانه باید از دو جهان آشنای ما
بر گردد آنکه با هوس کشور آمده	سر نآورد به افسر شاهی گدای ما
ما را هوای سلطنت ملک دیگر است	کاین عرصه نیست در خور فرّهای ما
یزدان ذوالجلال به خلوت‌سرای قدس	آراسته است بزم ضیافت برای ما

(بقیة صفحه ۲)

و نیز در آخر صفر سال ۲۰۳ بنا بر مشهور امام علی بن موسی الرضا علیه السلام پس از عمری تلاش در تحکیم مبانی اسلام و مباحثات و مناظرات خود با ارباب ادیان و مذاهب و فرق به دست یکی از شقی‌ترین خلفای عباسی یعنی مأمون به شهادت رسید و عالم اسلام را داغدار کرد.

ما این روزهای غم‌انگیز و مصیبت‌بار را به همه شیعیان جهان و دوستان و خاندان عصمت و طهارت تسلیت می‌گوییم.

(۱) مقدمه دیوان حجة الاسلام نیر، ص ۳.